ادامه از صفحه۷

چیستی مهم‌تر از کیستی

آقای خاتمی رئیس دولت اصلاحات، هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی را تشکیل داد و آقای روحانی، معاونت حقوقی را، اگرچه روحانی مصلحت ندید نام معاونت حقوقی را عوض کند اما آن را در عمل به معاونت حقوق شهروندی بدل کرد و علاوه بر آن یک دستیار ویژه اقوام منصوب کرد. این نهادهای چندگانه باز هم نتوانستند معضل حقوق شهروندی را حل کنند. اصولا تعدد سازمان‌های موازی نتیجه‌اش افزایش هزینه‌ها و کاهش کارآمدی است. به نظر می‌رسد تنها راه این باشد که همان‌طور که یک «معاون پارلمانی» رابط قوه مجریه و مجلس است بدون اینکه وزارتخانه‌ای برای آن ساخته شود یا در قانون اساسی دیده شود، یک معاونت دیگر هم تأسیس شود که وظیفه رابط میان قوه قضائیه و مجریه را داشته باشد ولی وزارت دادگستری به نهادی علیه بیداد بدل شود. معاونت شهروندی و دستیاری اقوام و هیئت نظارت و... همه در آن تجمیع شوند و این وزارت به‌عنوان مسئولیت اصل ۱۱۳ قانون اساسی از سوی بالاترین مقام انتخابی مستقیم، وظیفه نظارت بر اجرای قانون در همه قوا را انجام دهد. به عبارت دیگر هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی با تبدیل‌شدن به یکی از معاونت‌های این وزارتخانه احیا شود و اعضای آن از میان قضات دیوان عالی کشور برگزیده شوند و دستیاری اقوام هم معاونت دیگری برای وزارت دادگستری شود. معاونت حقوق شهروندی نیز در چنین وزارتخانه‌ای ضمانت اجرای بیشتری خواهد داشت.

چنین وزارتخانه‌ای می‌تواند رابطه نهادهای مدنی مرتبط مانند کانون‌های وکلا را با دولت نیز ساماندهی و هماهنگ کند که هم به تقویت این نهادهای مدنی می‌انجامد و هم دولت در بخش دادگری، بستری برای تبادل نظرات و تجربیات جامعه مدنی را با دستگاه‌های حکومتی فراهم می‌کند.

با وجود اینکه تشکیل وزارت فقط مصوبه مجلس را می‌طلبد ولی تشکیل معاونت‌ها در حیطه اختیار دولت و وزیر است اما وزارت دادگستری تنها وزارتی است که اصل آن در قانون اساسی مندرج بوده و نیازی به مصوبه مجلس ندارد. تشکیل معاونت‌ها نیز در حیطه اختیار خود دولت است.

چنین نهادی (وزارت دادگستری با کیفیتی که گفته شد) در عمل همان وزارت حقوق بشر و شهروندی است که وظیفه‌اش دادگری و تضمین حقوق شهروندی و نظارت بر اجرای قانون از سوی همه دستگاه‌هاست و وزیر آن هم با معرفی یکی از گزینه‌های پیشنهادی رئیس قوه قضائیه از سوی رئیس‌جمهور، از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد یعنی نظارت بر عملکرد قوه قضائیه و مجریه و مقننه به نمایندگی از هر سه قوه.

دراین‌صورت هم حساسیت‌های غیرمنطقی مربوط به وزارت حقوق بشر و شهروندی به میان نمی‌آیند، هم وجود وزارت دادگستری در قانون اساسی مذکور بوده و نیاز به تأسیس ندارد و هم از اسم کنونی‌اش بیرون می‌آید که مهم «رسم» است نه «اسم».

وزیر دادگستری همان وزارت دادگستری است

... ولی از سال ۱۳۷۸ این اختیارات را رئیس قوه قضائیه به معاونت مالی- اداری خود سپرد و ارتباط این قوه با وزیر دادگستری را به حداقل کاهش داد. بدیهی است که واگذاری اختیارات از جانب قوه قضائیه به وزیر دادگستری خارج از شمول اصل ۱۶۰ قانون اساسی بوده و قابل انتقاد است. به همان ترتیب وظایفی را که هیئت دولت به وزیر دادگستری واگذار کرده است.

از جمله تهیه آیین‌نامه یا عضویت در کانون یا مجمع و شورای خاصی با اصل ۱۶۰ مطابقت ندارد؛ ولی شورای نگهبان به این دسته از مصوبات مجلس و هیئت دولت که اختیارات و وظایف خاصی برای وزیر دادگستری تصویب شده است، ایراد مغایر با قانون اساسی را مطرح نکرده است و این در شرایطی است که ریاست قوه قضائیه به‌درستی به تغییر شورای نگهبان از اصل ۱۶۰ اعتراض کرده و در نامه شماره ۸۱۱۵۱۷۸ اعلام کرده است که شناسایی وظایف دیگری به غیر از روابط دو قوا برای وزارت دادگستری خلاف قانون اساسی است. در بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ پیشنهاد حذف پست وزیر دادگستری مطرح شد؛ ولی تصویب نشد. به نظر می‌رسد که وزیر دادگستری دارای مسئولیت، اختیارات و وظایف هم‌سنگ با سایر وزیران نیست و از این نظر تأسیس این مقام نه‌تنها هیچ توجیهی ندارد؛ بلکه به شأن و منزلت و جایگاه وزیر لطمه وارد می‌کند و بهتر است هرچه سریع‌تر از مسیر قانونی حذف این پست در دستور کار قرار گیرد. تداوم وضعیت موجود حاصلی جز تحمیل هزینه به بودجه عمومی کشور ندارد. دادگستری در چارچوب قانون اساسی همان قوه قضائیه است که در ساختار، سازمان، تشکیلات و مأموریت‌ها و شرح وظایف آن وزیر دادگستری جایگاهی ندارد. حذف مقام رابط در عمل می‌تواند مناسبات دو قوه را به وضعیتی بهتر از امروز ارتقا بخشد.

politics@sharghdaily.ir

عکس: رنوفه رستمی، شرق

مشاور رئیس دولت اصلاحات در امور زنان در گفت‌وگو با «شرق»

انتخاب وزیر زن قطعی است

شرق، آمنه شیرافکن: زهرا شجاعی از زنان حاضر در کابینه دولت اصلاحات این روزها منتقد برخی سیاست‌های فعالان حوزه زنان است. او مشاور امور زنان رئیس دولت اصلاحات بود و رئیس مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری. سال‌ها تجربه در دولت اصلاحات و کار تشکیلاتی و حزبی و فراغت این روزها فرصت مناسبی در اختیار او قرار داده تا موضوع زنان را از دور و با تأمل بیشتر رصد کند. در مسئله مربوط به انتصاب وزیر زن تأکید دارد که با وجود اهمیت این انتصاب نباید گفتمان جنبش زنان به انتصاب وزیر یا وزرای زن تقلیل یابد و از دیگر مسائل معتنابه عام زنان غافل شود. به باور او زنان در شرایط کنونی به یک رویکرد مدون در توضیح مدینه فاضله‌ای که بناست زنان ایرانی به آنجا برسند، دست نیافته و به همین خاطر گاهی اسیر سوژه‌های روز می‌شوند. از نشست‌ها با برخی مدیران خبر می‌دهد و اینکه اغلب گفته می‌شود شما فهرست زنان موفق را بدهید تا در انتصاب‌ها از آنها بهره بجوییم. نمونه‌اش دیدار اخیر زنان اصلاح‌طلب با اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهوری. اما به گفته شجاعی، ارائه این فهرست‌ها از سوی زنان، زمانی می‌تواند مؤثر افتد که اراده‌ای برای بهره‌مندی از توان زنان در سطوح بالا و میانی قدرت وجود داشته باشد. چنانچه از فهرست ۸۵ زن شاخص و مدیری که زنان اصلاح‌طلب به کابینه حسن روحانی ارائه کرده‌اند فقط دو نفر به جایگاه سیاسی رسیده‌اند. شجاعی بر این باور است؛ تا نگاه عمیقی از جانب مردان مدیر به بهره‌مندی از توان زنان نباشد، با ارائه این لیست‌ها دردی از دردها دوا نخواهد شد.

نقش زنان اصلاح‌طلب در انتخابات اخیر چگونه بود، چه رویکرد سازمانی و تشکیلاتی در دستور کار قرار گرفت؟

برآوردهای نخستین نشان از آن داشت که مشارکت زنان در انتخابات پیش‌رو کاهش خواهد یافت و نظرسنجی‌های نخست بر عدد ۳۶ درصد برای مشارکت زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم متمرکز شده بود. شاید دلیلش این بود که زنان چندان از نگاه کابینه روحانی به مسائل زنان راضی نبودند. خوشبختانه تشکیلات زنان اصلاح‌طلب به‌موقع و ماه‌ها پیش از برگزاری انتخابات شکل گرفت. در همه استان‌ها نمایندگانی مشخص شد و این‌بار در تهران نیز زنان به جای تمرکز در یک ستاد در همه ستادها پخش شدند. سخنرانی‌های زیادی شد و مشورت‌های زیادی به مردان درباره سخنرانی داده شد. نتیجه اینکه دیدیم رقم مشارکت زنان بالاتر از مردان بود و به پنجاه‌ونیم درصد رسید. البته قطعا فعالیت گروه‌های مختلف زنان در این مسیر تأثیرگذار بوده است.

درباره شورا گرچه سهمیه ۳۰ درصدی در فهرست تهران اجرا شد اما در بسیاری از شهرستان‌ها به فراموشی سپرده شد، چه برنامه‌ای برای آسیب‌شناسی این مسئله و نهادینه‌سازی سهمیه ۳۰ درصدی دارید؟

در انتخابات تهران درباره شوراها فهرست امید بر سهمیه ۳۰درصدی زنان تأکید کرد. اتفاق خوب اینکه در تهران حجم زیادی از زنان شایسته و کاندیداهای معتبر داشتیم و خوشبختانه رد صلاحیت بی‌رویه مجلس در شوراها محقق نشد. ما حتی اگر سهمیه را نمی‌گذاشتیم شاید خانم‌ها بیشتر می‌توانستند رأی بیاورند. پافشاری و جدیت خانم‌های عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلب نیز در حضور موفق زنان در فهرست تهران بی‌تأثیر نبود.

در استان‌ها متأسفانه وضعیت این‌طور نبود. زدوبندهای سیاسی و تعامل‌های قومی و قبیله‌ای و مناسبات غیرمعمول سیاسی وجود داشت. همین زدوبندها مانع از آن شد تا تمامی فهرست‌های استانی به حضور ۳۰درصدی زنان در فهرست اصلاح‌طلبان توجه کنند و در نهایت هم ما با کاهش حضور زنان منتخب در شوراها مواجهیم.

آیا بنا دارید به آسیب‌شناسی کاهش انتخاب زنان در شوراها بپردازید؟

قطعا شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و مجمع زنان اصلاح‌طلب باید به شکل کاملی دلایل و ریشه‌های این مسئله را بررسی کند. اما تحلیل من این است که فضای انتخابات شوراها فضای سیاسی نیست. یعنی فضا اقتصادی شده و نگاه به شورا کسب شغل شده نه انجام مسئولیت. چنانچه در تبلیغات انتخاباتی و نصب بنرهای هزینه‌های زیادی صرف می‌شود. در همین حال فقدان سابقه سیاسی و گاهی زدوبند و تعامل‌ها به ورود برخی افراد بی‌تجربه به شورا منجر می‌شود.

از دیدگاه شما اولویت مسائل زنان در ایران چیست؟

در پاسخ به این سؤال می‌شود به نکاتی مانند بی‌کاری، اعتیاد، خشونت خانگی، کارتن‌خوابی، فقر، مسائل حقوقی و قانونی اشاره کرد. اما از نظر من تعیین اولویت مسائل زنان باید مهم‌ترین دستور کار زنان و نهادهای مرتبط باشد. شاخص‌هایی که من به ذهنم می‌رسد این است که مسائل زنان باید شمولیت داشته باشد. به این معنا که مسئله بخش عمده‌ای از زنان باشد. دیگر اینکه ضرورت داشته باشد و نکته دیگر اولویت مسائل زنان است. در شرایط کنونی زنی را نمی‌بینید که از شرایط راضی باشد. اما مشکل ما این است که هنوز نمی‌دانیم می‌خواهیم به چه مدینه فاضله‌ای برای زنان برسیم. چقدر طول می‌کشد؟ چه برنامه‌ریزی‌هایی باید کرد؟ بی‌تعارف بگویم که زنان ما دچار سردرگمی و روزمرگی در فعالیت‌ها هستند. گاهی دنبال سوژه‌های روز می‌روند؛ نه اینکه براساس استراتژی دنبال پیشبرد مسائل زنان باشند.

راه‌حل و پیشنهاد شما چیست؟

برای این کار باید شاخص‌هایی داشته باشیم تا اولویت‌ها را تعیین کنیم. برای تعیین اولویت باید ببینیم چه شاخصی می‌خواهیم؛ آیا حضور زنان در ورزشگاه‌ها مهم‌تر است یا برای نمونه بحث خشونت خانگی علیه زنان. تمرکز بر این سوژه‌ها چقدر باشد؟ چه کارهایی می‌توان انجام داد؟ اگر زنان ما به خاطر نجابت و حجب و حیا درباره امر خشونت فراگیر خانگی چیزی نمی‌گویند، نباید درباره این پدیده زشت سکوت اختیار کرد. خاطرم هست در پژوهشی که پیش‌تر در مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری انجام داده بودیم، آمار نشان از آن داشت که دست‌کم ۶۰ درصد زنان ما دچار خشونت خانگی هستند و نمی‌گویند. آیا این اولویت نیست؟ حالا شاید من بگویم خشونت خانگی مغفول مانده است و کارشناس بعدی به مسئله دیگری اشاره کند. به همین خاطر تأکید دارم که باید اولویت‌ها مشخص شود.

این روزها بحث انتصاب وزیر زن داغ است. وزیر زن تا چه میزان در این اولویت‌ها می‌گنجد؟

به‌هرحال وزیرشدن زنان در شاخص‌های بین‌المللی تأثیرگذار است. به لحاظ فرهنگی اعتمادبه‌نفس را در نسل جوان زنان ما بالا می‌برد. همچنین به تغییر باور و نگرش در کل جامعه می‌انجامد. اما با وجود این اهمیت، نگاه من این است که ما زیاده از حد بر مطالبه وزیر زن متمرکز شده‌ایم و از دیگر مطالبات و گفتمان‌سازی پیرامون آن باز مانده‌ایم. نباید گفتمان خودمان را برای یک موضوع هزینه کنیم. گزارش‌های محرمانه‌ای از وضعیت اجتماعی در میز مسئولان ما آرشیو شده است. اینها چیز کمی نیست. همه می‌گویند، هیس! خب حالا صدایش را درنیاوریم اما کمی بعدتر بوی تعفنش جامعه را برمی‌دارد. باید همه‌جانبه و سیستماتیک به مسائل زنان نگاه کرد. مسائل همه زنان را ببینیم و نه‌فقط قشر نخبه را. به فرض اینکه سه وزیر هم به زنان اختصاص داده شود. وزیر صنعت - اگر زن باشد- باید کار صنعت را پیش ببرد. خانم ابتکار رئیس سازمان محیط زیست هستند. چه درصدی از مشکلات زنان را حل می‌کنند؟ من مخالفتی با حضور زنان در پست‌های کلیدی ندارم اما نکته این است که در کنار این تأکید از اصل ماجرا باز نمانیم. چقدر مدیران میانی تربیت کرده‌ایم؟ چقدر به زنان در لایه‌های مختلف سازمانی امکان رشد و ترقی داده‌ایم؟ ما هنوز بانک جامع اطلاعاتی زنان نداریم.

شنیده‌ها حاکی از آن است که از شما و دیگر زنان فهرست خواسته‌اند، حالا در نبود این بانک اطلاعاتی بنا دارید چه اسامی‌ای به مسئولان ارائه دهید؟

> **می‌گویند به ما لیست بدهید. در دیدار اخیر با آقای اسحاق جهانگیری هم بحث همین بود. نکته اینکه ما فهرست جامعی از زنان موفق استخراج کردیم و از ۸۵ زنی که به آنها معرفی کردیم فقط دو نفر به کار گرفته شدند. در دیدار با آقای جهانگیری نیز پیشنهاد من این بود که دولت آقای روحانی باید وزرا را موظف کند تا درصدی برای انتصاب مدیران زن اختصاص دهند**

بله؛ می‌گویند به ما لیست بدهید. در دیدار اخیر با آقای اسحاق جهانگیری هم بحث همین بود. نکته اینکه ما فهرست جامعی از زنان موفق استخراج کردیم و از ۸۵ زنی که به آنها معرفی کردیم تنها دو نفر به کار گرفته شدند. در دیدار با آقای جهانگیری نیز پیشنهاد من این بود که دولت آقای روحانی باید وزرا را موظف کند تا درصدی برای انتصاب مدیران زن اختصاص دهند؛ حالا امکان دارد وزارتخانه به وزارتخانه درصد متفاوت باشد. اما نمی‌شود مدام توپ را در زمین زنان بیندازند که شما اسم بدهید. آن مدیر و وزیر و معاون خودش باید دنبال شناسایی پتانسیل زنان موفق برود. مانند تجربه‌ای که در وزارت نفت داشتیم.

خود آقای زنگنه در این زمینه همراهی داشتند؟

خوشبختانه نگاه آقای زنگنه در مشارکت زنان در پست‌های کلیدی بسیار مثبت است. اما باید اینجا از نقش مهم فاطمه تندگویان مشاور امور زنان وزیر نفت سخن گفت. او بود که با شناسایی مهندس مرضیه شاهدایی در صنعت پتروشیمی در انتصاب او به‌عنوان معاون وزیر نفت ایفای نقش کرد. مهندس شاهدایی در وزارت نفت تا سطح مدیرکلی رسیده بود و سال‌های سال در همین سطح مانده بود تا اینکه با تلاش‌های آقای زنگنه ایشان معاون وزیر شدند و رئیس پتروشیمی. اینجاست که می‌گویم مکانیسم فشار لازم است.

خانم تندگویان در وزارتخانه‌ای که چندان حساسیت جنسیتی ندارد، توانسته در همه شرکت‌های تابعه و معاونت‌ها این حساسیت را به وجود آورد و نسبت به شناسایی زنان توانمند اقدام کند. او بنا را بر توانمندسازی زنان شاغل در صنعت نفت و حساس‌کردن آنها به مسئله جنسیتی و ارتقای سطح مدیریتی زنان گذاشته و خوشبختانه تا اینجای کار بسیار موفق بوده است. اتفاقا بخش‌نامه اخیر وزارت نفت در جذب زنان به سیاست‌های ایشان بازمی‌گردد. در اداره مسئولیت‌های اجتماعی نیز سلسله کارگاه‌های آموزشی برای زنان و مردان گذاشته تا حساسیت جنسیتی ایجاد شود. این اتفاق و تأکید بر آن بسیار مهم است. یک زن در مقام مشاور وزیر توانسته تحولی در وزارت نفت به وجود آورد. امیدواریم زنان توانمند دیگر بتوانند در سایر وزارتخانه‌ها موجبات رشد زنان و ارتقای آنها را فراهم کنند.

برگردیم به بحث وزارت زنان و حضور زنان در لایه‌های میانی. تا چه میزان دولت روحانی در این زمینه مؤثر عمل کرده است؟

انتظار ما بیش از اینهاست. به ویژه اینکه شعار آقای روحانی مبنی بر افزایش حضور زنان در لایه‌های میانی قدرت آن‌طور که باید و شاید اجرائی نشد. اگر بخواهیم منطقی‌تر و با نگاه بلندمدت مسائل را ببینیم و نیم‌نگاهی به دوره‌های آتی داشته باشیم، باید از همین حالا تلاش کنیم تا حضور زنان در سطوح میانی توسعه یابد. اتفاقا راهش این نیست که من و شما بخواهیم زنان مؤثر را شناسایی کنیم بلکه خود وزیر باید وظیفه شناسایی را برعهده داشته باشد. وزرا نیز باید در برنامه عملیاتی خود به طور مشخص بند و بخشی را به زنان اختصاص دهند و بگویند چه برنامه‌ای برای ارتقای مشارکت زنان در سطوح وزارتخانه دارند. خوشبختانه در دوره آقای خاتمی این اتفاق افتاده بود. آن موقع بررسی وضعیت کارکنان زن در دستگاه‌های دولتی در قالب پژوهش انجام شد. آنجا سهمیه مشخص شد تا وزارتخانه‌ها درصد مشخصی حضور زنان در لایه‌های مدیریتی را افزایش دهد. نتیجه اینکه در پایان دوره اصلاحات ۶۳ درصد رشد مدیریت زنان را داشتیم. وزارت کشور از جمله وزارتخانه‌ای بود که بسیار همراهی کرد. آقای تاجزاده دنبال این قضیه بود و در اغلب استان‌ها مدیران کل امور اجتماعی خانم بودند. در دوره اصلاحات چهار زن معاون وزیر داشتیم.

دیدارتان با آقای جهانگیری چطور بود؟ امیدی به افزایش حضور زنان در کابینه هست؟

قطعا ما در کابینه آتی آقای روحانی وزیر زن خواهیم داشت و برآوردن این خواسته تقریبا قطعی شده است. سخنان آقای جهانگیری هم بسیار مؤثر بود و همدلانه با زنان اصلاح‌طلب به گفت‌وگو نشستند. طبق معمول مانند همه از ما فهرست خواستند. فهرست ما نیز نهایی شده و در هر وزارتخانه چندنفری شناسایی شده‌اند تا در مراتب مدیریتی ارتقای بیشتری داشته باشند. اما با وجود این تأکیدم این است که ما نیازمند تغییر رویکرد در مسائل زنان هستیم. اگر مردان مدیر و وزیر و معاون ما به موضوع مشارکت زنان متوجه باشند، نیازی نیست که ما هربار دنبال تهیه فهرست زنان موفق باشیم. همین که چشمشان را باز کنند و به سازمان و وزارتخانه مربوطه نیک بنگرند، زنان بسیاری هستند که شایسته ارتقا بوده و باید به مدارج بالاتری برسند.

ادامه از صفحه ۴

ایران، ارزش بازگشت‌های متعدد را دارد

...موضوع مسئولیت توتال در ارتباط با ساخت داخل و انتقال فناوری نوین به شرکت‌های ایرانی، موضوعی است که از سوی وزارت نفت بسیار مورد توجه قرار گرفته.

البته که صنعت نفت و گاز ایران بدون توتال یا دیگر شرکت‌های بزرگ غربی، رو به قبله دراز نکشیده و کارایی و توانمندی شرکت‌های ایرانی در اثنای تحریم‌های ظالمانه و در اجرای موفق پروژه‌های بسیار مهمی که برخی از آنها (فازهای پنج‌گانه ۱۷ الی ۲۱ پارس جنوبی) در سال جاری به بهره‌برداری رسیدند اثبات شده است و در این میان پتروپارس به‌عنوان شریک ایرانی با شرکت‌های بزرگ خارجی، توانسته با رهبری، هدایت و انجام و به بهره‌برداری و تولیدرساندن پروژه‌های بسیار مهمی مانند مگا پروژه‌های فاز یک پارس جنوبی و افزایش ظرفیت آن، فازهای ۴ و ۵، فازهای ۶ و ۷ و ۸، فاز ۱۲ (به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه تاریخ صنعت کشور) و فاز ۱۹ پارس جنوبی، توانایی‌های خود را در اجرای پروژه‌های عظیم نفت و گاز اثبات کند و در قامت یک شرکت نفتی اکتشاف و تولید مهم و کارآمد بین‌المللی، شانه‌به‌شانه بزرگان این عرصه حرکت کند؛ اما ناگفته پیداست که همکاری با توتال علاوه بر پیام‌هایی که گفته شد نتایجی را نیز به دنبال دارد که کمترین آن انتقال دانش و فناوری‌های نوین، به‌روزرسانی و ارتقای دانش بومی شرکت‌های ایرانی در همه عرصه‌های مدیریت و تکنولوژی و مهندسی و در نتیجه افزایش توانمندی و کارایی آنان است. به نظر می‌رسد چکیده روایت برد- برد امضای قرارداد فاز ۱۱ پارس جنوبی و سود و منفعت دوجانبه آن، همانی است که در سخنرانی هوشمندانه مدیرعامل توتال و در قالب یک جمله ساده؛ اما عمیق بیان شد؛ جمله‌ای که صاحب‌نظران با شکافتن پوسته ظاهری، به مغز آن که همانا «جذابیت نسخه جدید قراردادهای نفتی ایران» و «ترسیم سیاست آتی توتال در قبال ایران» است می‌رسند؛ آنجا که گفت: «من با خانواده‌ام به ایران آمده‌ام و قطعا باز هم به ایران می‌آیم، چون این قرارداد آغاز راه همکاری با ایران است و «این کشور ارزش بازگشت‌های متعدد را دارد»».

*کارشناس حوزه انرژی

ادامه از صفحه۳

غیبت پساانتخاباتی اصولگرایان در همایش خانه احزاب

این فعال سیاسی با بیان اینکه اجازه دهید خانه احزاب با قدرت و قوت و برنامه‌ریزی قبلی جلو رود، گفت: «خانه احزاب می‌تواند برای مجلس آینده و تداوم شورای شهر آینده و ریاست‌جمهوری برنامه داشته باشد و برنامه جامع و کامل ارائه دهد».

چه شد که بعد از دولت خاتمی خانه احزاب تعطیل شد؟

حسینعلی‌امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در همایش فصلی خانه احزاب گفت: «بحث من راجع به فراز و نشیب‌های احزاب و تحزب در نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب است. شما خوب می‌دانید سابقه احزب در ایران به مشروطه بازمی‌گردد. حزب به معنای واقعی و حقیقی تا پیروزی انقلاب اسلامی معنی نداشت؛ دو حزب وجود داشت که وابستگی آنان به حکومت مشخص بود».

امیری با بیان این مطلب که نقش احزاب در جامعه چیست و این بحثی است که در دانشگاه‌ها و محافل سیاسی باید مورد بررسی قرار گیرد، با اشاره به تاریخچه فعالیت احزاب، گفت: «سال ۵۷ سرآغاز تشکیل احزاب برای گروه‌های سیاسی و اجتماعی بود. مردم فارغ از اینکه چه دین و مذهبی دارند، حضور پیدا کردند. احزاب و گروه‌های سیاسی بعد از انقلاب شکل می‌گیرند اما برخی سابقه قبل از انقلاب دارند که به دلیل محدودیت در حکومت قبل از انقلاب مخفی بودند». معاون رئیس‌جمهور با اشاره به احزاب اوایل انقلاب بیان کرد: «در سال ۵۷ احزاب اسلامی و چپ سوسیالیستی شکل گرفتند که هر کدام به دنبال یارگیری و تأثیرگذاری بر حاکمیت بودند. احزاب لیبرالی و اسلام‌گرا و تند که بعدا به دلیل عدم پایگاه فقهی مناسب به منافقین تبدیل شدند، به فعالیت پرداختند. بخش دیگر احزاب چپ، توده و کمونیستی بودند و همچنین بخشی هم از نیروهای اسلامی و متدین تشکیل شد که بارزترین آنها حزب جمهوری اسلامی بود». امیری با اشاره به شرایط اول انقلاب گفت: «یک بخش مربوط به دهه ۶۰ تا سال ۶۷ است که برخی دست به اسلحه بردند و بیراهه رفتند و بعد از سال ۵۹ که عراق به ما حمله کرد موضوع احزاب سیاسی آن شور اولیه خود را از دست داد و معطوف به جنگ شد». او گفت: «اواخر سال ۶۷ افراد شاخص، محور قرار می‌گیرند و در شرایطی که جنگ تمام می‌شود فصل جدید فعالیت احزاب شکل می‌گیرد که می‌توان آن را به عنوان دوره‌های قاعده‌مندشدن احزاب و تثبیت‌شدن آنها دانست که شناسنامه‌دار می‌شوند و نقش ایفا می‌کنند و در ارائه لیست و برگزاری همایش و... فعالیت می‌کنند». او با اشاره به نقش احزاب در دولت اصلاحات گفت: «مگر در دوره آقای خاتمی که خدا حفظش کند، به احزاب توجه نشد و دوره شکوفایی و توسعه سیاسی اتفاق نیفتاد؟ اما چه شد به جایی رسیدیم که خانه احزاب تعطیل شد؟ در این دهه است که می‌بینیم روزنامه سلام و عدالت چاپ می‌شود. در این دوره است که احزاب بر قدرت تأثیر می‌گذارند و نقش آیت‌الله هاشمی را برای تعدیل و اعتدال داریم». امیری گفت: «مقطع دیگر از انتخابات ۹۲ شروع می‌شود که روحانی به احزاب توجه ویژه دارد و به نقش احزاب در زمینه کادرسازی و انتقاد دقت نظر دارد. در این چهار سال به دستور رئیس‌جمهور اصلاح قانون احزاب صورت می‌گیرد». معاون رئیس‌جمهور بیان کرد: «احزاب به توسعه سیاسی کمک و نقش بسزایی ایفا کردند؛ البته تا رسیدن به آن جایگاه که انتظار داریم، راه داریم بنابراین حزب در ایران در دوره نوجوانی خود است».

او با اشاره به تلاش دولت برای فعالیت احزاب گفت: خیلی تلاش کردیم جایگاهی برای احزاب ایجاد شود. نیاز به منابع و کارهای پژوهشی در دانشگاه داریم حتی نیاز به حمایت شخصیت‌های بزرگ داریم. امیری با اشاره به نیاز کشور به احزاب قدرتمند گفت: «متأسفانه به دلیل نبود کارکرد حزبی از ظرفیتی که در مجلس ایجاد شده بهره نمی‌بریم. کارکرد حزب تنها سیاسی نیست؛ باید آن را در کارکردهایی دیگر هم ببینیم. دولت از پیشنهادات استقبال می‌کند. نباید همه چیز را بر گردن حاکمیت بیندازیم؛ درست نیست. احزاب باید خود را تثبیت کنند».

علاءالدین
Alaedin.travel
عمده فروش خدمات گردشگری داخلی و خارجی
پنجشنبه هر هفته با پرواز نوردوین
تور روسیه
۴شب هتل ۵ ستاره کمپینسکی سنت پترزبورگ
۳شب هتل ۵ ستاره ماریوت مسکو
۶ روز گشت کامل+ناهار+تورلیدر
تورهای گروهی ایرانگردی
سرعین، اردبیل، تبریز، ارومیه، کردستان
سرزمین عشایر، شمال، اصفهان، شیراز
فول استاک
صدور بلیط کلیه ایرلاین‌ها
کامل‌ترین موتور جستجوی هتل‌های ایران
با فیلتر انواع امکانات و خواسته‌های مسافران
در سایت
alaedin.travel
ساعات کاری شنبه تا چهارشنبه ۹ الی ۲۴
پنجشنبه ۹ الی ۱۸
جمعه و تعطیلات ۱۲ الی ۱۸
چهار راه فرمانیه، برج آرتمیس فرمانیه
۷۴۴۹۵-۰۲۱